

بنام خداوند جان و خرد

## بیانیه ی جبهه ملی ایران

• میهن ما در بحرانی ترین شرایط خاص خود قرار دارد. شرایطی که می تواند یکباره همه چیز را در هم فرو ریزد و آتش و خون و ویرانی را بر کشور ما تحمیل سازد ... عمده تحلیل گران بر این باورند که ساماندهی طرح خاورمیانه بزرگ، شامل شکل گیری دولت فلسطین، صلح اعراب و اسرائیل، ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه، تثبیت موقعیت امریکا برای بهره برداری بدون معارض از منابع انرژی منطقه در درازمدت، واگذاری نقش اقتصادی گسترده به اسرائیل در خاورمیانه و ... ایجاب می کند که ایران بیش از همیشه به عنوان مهم ترین کشور منطقه مورد هدف قرار بگیرد.

• با توجه به چنین چشم اندازی، ما معتقدیم که باید هر چه سریعتر در مسیر اصلاحات ساختار شکن به منظور دگرگون ساختن ضوابط حاکم و در جهت استقرار مردم سالاری، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی، احترام به حقوق شهروندی و استقرار جمهوری کامل حرکت کرد.

## هموطنان عزیز:

به اعتبار همه ی آنچه که در نظام جهانی به ویژه در منطقه بسیار حساس خاورمیانه و، افزون بر آن، در قفقاز و آسیای مرکزی روی داده و در حال روی دادن است، میهن ما در بحرانی ترین شرایط خاص خود قرار دارد. شرایطی که می تواند یکباره همه چیز را در هم فرو ریزد و آتش و خون و ویرانی را بر کشور ما تحمیل سازد. قرار گرفتن ایران بین دو قطب بسیار مهم انرژی جهان و همسایگی آن با ۱۵ کشور با ساختارهای متفاوت سیاسی و شرایط اقتصادی گوناگون، و پیوندهای سیاسی - نظامی آنها با قدرتهای بزرگ جهانی و حضور فعال آنها در منطقه موقعیت ویژه ای را برای میهن ما بوجود آورده که اگر روند موجود ادامه یابد و تغییرات بنیادین در ابعاد کلان در وضع داخلی و روابط خارجی و استراتژی کشور پدیدار نگردد، باید در انتظار درگیر شدن در چالشهای فرسایشی هولناک تا مرز آسیب دیدن یکپارچگی کشور باشیم.

تکیه نظام بر ساختار ایدئولوژیک مذهبی سبب گردیده که حاکمیت با اتخاذ مواضع نادرست در قبال برخی از مسائل کشورهای دیگر منطقه که ایران در آنجا منافع اساسی و حیاتی ندارد بهای سنگین و منفی را در زمینه های سیاسی و اقتصادی بجان بخرد. در این موارد، ایران نه تنها توان و نقش بازدارنده در قبال تصمیمات و توافق های احتمالی طرف های دیگر ندارد، بلکه سابقه نشان داده که آنها در انجام این مقصود کوچکترین توجهی به نظرات و ملاحظات ایران نداشته و نخواهند داشت. تنها ثمره چنین موضع گیریهای ارزشی متهم ساختن ایران به حمایت از تروریسم بین المللی بوده، که بنوبه خود طی ۲۵ سال گذشته لطمه های جبران ناپذیری را بر منافع ملی ایران وارد ساخته است. چنانکه، در رابطه با فرصت های پیش آمده در منطقه و حتا، در مواردی، با انجام همکاری های چشم گیر با قدرت های ذیربط، نه تنها دست آورد مورد انتظار حاصل نشده، بلکه به از دست رفتن فرصت های مورد بحث و تبدیل آنها به تهدیدات جدید منتهی گردیده است. نمونه بارز آن در روند تحولات جاری در افغانستان کاملاً مشهود می باشد. در بحران عراق نیز با وجود امکانات بیشتر بئع ایران و حضور اکثریت چشم گیر شیعیان در آن سرزمین، در عمل، استراتژی قدرت های منطقه و فرامنطقه ای در مسیری سیر می کند که هدف اصلی آن به حاشیه راندن ایران از یک سو

و کاستن هر چه بیشتر از حضور بر حق شیعیان در صحنه حاکمیت عراق از سوی دیگر است. انتخاب دوباره جرج بوش به ریاست جمهوری امریکا و تغییرات چشم گیر در ساختار آن دولت در جهت تقویت همه جانبه موضع محافظه کاران تندرو، با توجه به موضع گیری های صریح آن جناح در پی رویداد ۱۱ سپتامبر در برابر ایران و آخرین بیانیه چهره های سرشناس آنها در چند روز گذشته، عمده تحلیل گران بر این باورند که ساماندهی طرح خاورمیانه بزرگ، شامل شکل گیری دولت فلسطین، صلح اعراب و اسرائیل، ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی کشورهای خاورمیانه، تثبیت موقعیت امریکا برای بهره برداری بدون معارض از منابع انرژی منطقه در درازمدت، واگذاری نقش اقتصادی گسترده به اسرائیل در خاورمیانه و ... ایجاب می کند که ایران بیش از همیشه به عنوان مهم ترین کشور منطقه مورد هدف قرار بگیرد. در این راستا، در میان گزینه های مختلف، بارها به هدف گیری تأسیسات عمده زیربنایی ایران برای فلج کردن کشور با حملات موشکی اشاره شده است. بنظر می رسد که حاکمان بر قدرت نشسته، برکنار از شعارها و بلوف ها و مانورهای رایج شان، بخوبی شرایط خطرناک منطقه و بویژه ایران را دریافته اند و از اینروست که سیاست گفتگو، کوتاه آمدن و سازش با اروپا را برگزیده اند. ولی باید بر این واقعیت آگاه بود که مذاکرات اروپا با ایران در چارچوب تعارض آنها با امریکا صورت نخواهد گرفت. اروپا حاضر نخواهد بود که بخاطر بازار ایران خود را با امریکا رودررو قرار دهد.

با توجه به چنین چشم اندازی از نظر سیاست خارجی و با توجه به تنگنای شدید کشور در زمینه های گسترده ای چون اقتصاد درهم شکسته، رشد روزافزون بیکاری، فقر فزاینده افراد جامعه، فساد گسترده و ناهنجاری های بی سابقه اجتماعی، ادامه فرار سرمایه و مغزها و نیروی جوان از کشور، واگذاری منابع کشور به بیگانگان بدلیل ساختار بیمار اقتصادی و سیاسی و ناتوانی در جلب سرمایه های خارجی، عقب ماندگی روزافزون در تولید و دانش و فن آوری، حاکمیت بیمارترین ساختار مدیریتی بر کشور، بی توجهی به حقوق شهروندی همگان، و ... ما معتقدیم که باید هرچه سریعتر در مسیر اصلاحات ساختار شکن به منظور دگرگون ساختن ضوابط حاکم و در جهت استقرار مردم سالاری، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی، احترام به حقوق شهروندی برابر برای همه باشندگان کشور و همه تیره های ایرانی، حفظ معنویت مذهب و خودداری از کاربرد ابزاری آن برای حفظ سلطه و قدرت، و بالاخره حذف همه ضوابطی که حق تعیین سرنوشت و انتخاب آزاد و استقرار جمهوری کامل و واقعی را در چارچوب تنگ و غیرآزاد نظارت استصوابی و ساختار انتصابی ارگانهای اساسی از ملت سلب ساخته حرکت کرد.

ما باور داریم که ملت هوشیار ایران توانایی آن را دارد که بدون دخالت بیگانگان، نظامی پاسخگوی منافع ملی بمنظور رها ساختن خود از عقب ماندگی و دستیابی به توسعه پایدار را در این سرزمین سامان بخشد. این همه در گروی آنست که نظام حاکم حاضر باشد به خواست ملت گردن نهد و از ستیز با آن دست بردارد، باشد که برکنار از تنش های ویرانگر، اصلاحات ساختار شکن و بنیادین به اجرا درآید و کشور از بحران ویرانگر کنونی رهایی پیدا کند.

یکم بهمن ۱۳۸۳

جبهه ملی ایران

نشریه

جبهه ملی ایران  
خارج کشوربا مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر هیأت تحریریه  
هر ماه یک بار در پاریس انتشار می یابدنوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی  
ایران خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران  
نیست.

آزادی دین، زبان و بیان عقیده اصل جدایی ناپذیر پیشرفت و تجدد است